

بررسی و نقد شباهت تئودور نولدکه پیرامون قرائت قرآن

محمد ایوب عارفی

دانش پژوه دوره دکتری قرآن و علوم تربیتی

چکیده

قرآن به عنوان آخرین نسخه حیات بخش و شفابخش الهی برای آموزش و پرورش بشر و راهنمای سعادت دوجهان از سوی خداوند نازل شده است، این کتاب هدایت همواره از سوی مغرضین مورد اشکال و نقد بوده است، در این میان نقش خاورشناسان از جمله تئودور نلدکه آلمانی در کتاب تاریخ القرآن پر رنگ و برجسته است، در این نوشتار شباهت نولدکه پیرامون قرائت قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است، انتساب قرآن به پیامبر(ص) و ارتباط قرآن و قرائت، نبود نص واحد معتبر، حدیث سبعة احرف از دیدگاه نولدکه، انتساب اشکالات لفظی به پیامبر(ص)، تفاوت حروف عثمانی با حروف رایج عربی، تکمیل نشدن متن قرآن در زمان حیات پیامبر(ص) و برخی دیگر از شباهت نولدکه پیرامون قرائت و نص قرآن مورد تحقیق و نقد قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: تئودور نولدکه، تاریخ القرآن، قرآن، قرائت، نقد، شباهت

مقدمه

اهمیت و ضرورت

در رابطه با بحث قرائت و خوانش‌های متعدد قرآن همواره شبهات و تردیدهای از سوی مغرضین و معاندین مطرح و مورد توجه بوده است. مسایل مانند «افسانه غرانیق» «داستان ورقه بن نوفل»، مسأله تحریف قرآن، شبهات مصادر قرآن، رسم الخط و موارد دیگر از شبهات و مسایل چالشی در حوزه تاریخ و علوم قرآنی است. یکی از مباحث چالشی که برخی مستشرقین از جمله تئودور نولدکه آلمانی روی آن زوم کرده است، مسأله قرائت و وحدت یا تعدد نص قرآن است. ایشان در جاهای مختلف کتاب معروفش بنام «تاریخ القرآن» از این مسأله به عنوان حرب، علیه قرآن و پیامبراکرم (ص) استفاده کرده است. از این رو برای دفاع از ساحت مقدس قرآن و پیامبراعظم (ص) لازم است که این شبهات بررسی و نقد شود، تا کسی با مطالعه اینگونه شبهات نسبت به حقانیت قرآن کریم، پاسخ روشن داشته باشد و در نتیجه تردیدی به خود راه ندهد.

مروری بر زندگی نولدکه

ابتدا لازم است برایش شناخت اجمالی این مستشرق آلمانی به زندگی نامه وی مروری گذرا داشته باشیم و سپس به اجزای کتاب و بررسی و نقد دیدگاه وی در باره قرائت قرآن بپردازیم.

تئودور نولدکه در ۲ مارس سال ۱۸۳۶ در هامبورگ شمال آلمان متولد شد، از سن ۱۳ تا ۱۶ سالگی به فراگیری زبان‌های یونانی و لاتین گذراند، او در دوره دبیرستان به فراگیری زبان عبری پرداخت و در دانشگاه گوتینگن (Gottingen) زبانهای عبری، عربی، سریانی و آرامی را یاد گرفت، و در همین دانشگاه، مطالعه زبان سانسکریت را آغاز کرد و در دانشگاه کیل (Kiel) ادامه داد. وی همچنین فراگیری زبانهای فارسی و ترکی را در دوره دانشجویی خود آغاز کرد و در بیست سالگی ر ساله دکترای خود را تحت عنوان «تاریخ القرآن» در سال ۱۸۵۶ دفاع کرد (زمانی، ۱۳۸۵، ص ۸۱).

وی حدود یکسال ۱۸۵۶-۵۷ به وین رفت و کتاب‌های خطی کتابخانه وین را مطالعه کرد و به فراگیری زبانهای فارسی و ترکی ادامه داد، سپس به لیدن هلند رفت و شش ماه در آنجا به بررسی کتابهای دستنویس عربی و ملاقات با خاورشناسانی چون «دوزی»، «دخویه»، «دیونگ» و «ینبول» پرداخت. بعد به گوتا و از آنجا به برلین آلمان بازگشت، کتابهای خطی عربی و ترکی را بررسی و فهرستی برای کتابهای ترکی در کتابخانه آنجا تهیه کرد.

نولدکه از ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۲ به سمت استاد دانشگاه استراسبورگ برگزیده شد و در این فاصله زمانی، مدت هشت سال در دانشگاه کیل نیز به تحقیق و تدریس زبان‌های سامی، سانسکریت و ترکی پرداخت. وی در واقع زبان‌شناس متبحر و دارای هوش سرشار و دارای شم تاریخی بود. نولدکه به مدت ۵۰ سال تا ۱۹۲۰م به عنوان استاد دانشگاه استراسبورگ در این شهر ماند و عمده تألیفاتش در این دوره انجام شده است. وی با گلدزیهر نیز ارتباط داشت و ۵۰ نامه از نامه‌های او به گلدزیهر چاپ شده است (رحیمی ریس، ۱۳۸۲، ص ۱۹).

تاریخ القرآن

تاریخ القرآن رساله دکترای نولدکه است که در سال ۱۸۵۶م دفاع نموده است، در سال ۱۸۵۸ بنا به درخواست آکادمی ادبیات پاریس، نولدکه کتابش را به مسابقه «تاریخ انتقادی متن قرآن» ارائه داد و در آنجا با دو نفر دیگر اسپرنجر [sprenger] و اماری [amari] به جایزه مسابقه دست یافتند، سهم هر نفر از این جایزه ۵/۱۳۳۳ فرانک فرانسه بود. (بدوی، ۲۰۰۳، ص ۵۹۵).

نولدکه در سال ۱۸۶۰م تاریخ القرآن را به صورت کتاب مدون، به زبان آلمانی منتشر کرد (همان) در ۱۹۹۸ ناشر از او خواست، برای تجدید چاپ، کتاب را بازنگری کند. نولدکه این کار را به شاگردش فریدریش شوالی سپرد، او با استفاده از یادداشت‌های استادش جلد اول را تکمیل کرد و با مقدمه نولدکه در ۱۹۰۹ منتشر شد. شوالی مشغول تحریر جزء دوم بود که درگذشت و ادامه کار به هینری تسیمرون سپرده شد. بالاخره جزو این کتاب در سال ۱۹۱۹ به چاپ رسید.

تألیف و تحریر جلد سوم کتاب و تنظیم یادداشت‌های شوالی با پیشنهاد تسیمرون به گوتهلِف برگشترسر (Gotthelf Bergstrasser) واگذار شد، اما او چند سالی از عمر خود را بر سر این کار گذاشت، پیش از آن که موفق به اتمام جلد سوم شود، در اوت ۱۸۳۳ درگذشت. اوتوپراتسل همکار او در دانشگاه، با افزودن یک مقدمه و فصل آخر کتاب به آن، جلد سوم را در سال ۱۹۳۸ منتشر ساخت. بدین ترتیب پس از گذشت ۶۸ سال از چاپ اول کتاب، تألیف و چاپ اثرگذارترین تحقیق در باره قرآن در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، با تلاش سه نسل از خاورشناسان آلمانی به سرانجام رسید (رحیمی ریس، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

اجزاء تاریخ القرآن

کتاب تاریخ القرآن دارای سه جزء است

جلد اول (نشر ۱۹۰۹) در باره منشأ و خاستگاه قرآن متشکل از سه فصل است. مباحثی پیرامون نبوت و وحی، سوره‌های قرآن و آیاتی که در قرآن نیامده، تفاوت وحی قرآنی و غیر قرآنی، اختلاف قرائت، از محورهای اصلی این فصول است.

جلد دوم (۱۹۱۹) به مباحثی جمع قرآن، کتابت و کاتبان وحی، قرآن امیرالمؤمنین (ع)، قرآن زید بن ثابت، قرآن ابی‌ابن کعب، جمع قرآن در زمان عثمان و تفاسیر شیعه.

جلد سوم (۱۹۳۸) در باره تاریخ متن قرآن است، مباحث عمده آن عبارتند از متن بدون اعراب، خطاهای قرآن عثمان، اختلاف قرائتها در نسخه‌های قرآن عثمان، شیوه کتابت، اختلاف قرائتها در قرآن ابی و دیگران، قرآن ابن مسعود، سلطه و فراگیری قرآن عثمان. شیوه قرائت قرآن، قرآء هفت‌گانه و ده‌گانه و چهارده‌گانه، شناخت منابع مربوط به قرائت و قرآء، قرائت‌های شاذ، مفردات، تجوید، وقف.

منابع تاریخ القرآن

منابع تاریخ القرآن عمدتاً به سه گروه تقسیم می‌شود

منابع یهودی - مسیحی شامل تورات، تلموت و انجیل‌های چهارگانه

آثار مستشرقان : در تدوین رساله نولدکه آراء خاورشناسان بویژه این افراد بیشتر مد نظر بوده است: آگوست فیشر، هانری لامنس، هیرشفلد، گستاو فلوگل، گستاو وایل، دخویه، گولدزیهر، هامر — پورگشتال، الویس اشپرنگر و یولیوس ولهاوزن (رحیمی ریشه، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۲۵).

منابع و کتب اسلامی؛ نزدیک به ۷۰٪ این منابع از کتب اهل سنت مانند تاریخ طبری سیره ابن هشام، صحیح بخاری و مسلم و غیره است. از منابع شیعه تنها به تفسیر قمی و تفسیر صافی بسنده کرده است. (رحیمی ریشه، ۱۳۸۲، پیشین، ص ۲۶).

پیشنه نقد تاریخ القرآن

بحث رسم الخط و قرائت قرآن یکی از مباحثی است که در حوزه تاریخ قرآن دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان به آن پرداخته‌اند، نولدکه از جمله کسانیست که به این بحث توجه زیاد نموده و کوشیده است تا وثاقت نص قرآن را زیر سوال ببرد و متن قرآن را مخدوش و مضطرب جلوه دهد. با اینکه اثبات و ثاقت قرآن از مهمترین موضوعات دینی است و شبهات نولدکه در این رابطه پایه اصلی شبهات دیگر مستشرقان است. با اینکه از نشر تاریخ القرآن، بیش از ۸۰ سال و از ترجمه آن به زبان عربی توسط جورج تامر در سال

۲۰۰۴م بیش از ۱۵ سال می‌گذرد، تاکنون نقد کامل برای آن نوشته نشده است. (حسینی، ۱۳۸۸، ش ۶، ص ۳۳).

البته راجع در نقد بخش‌های مختلف این کتاب، پایان نامه و مقالاتی نوشته شده که از آن جمله رساله کارشناسی ارشد سید حسن حسینی اطهری در جامعة المصطفی تحت عنوان «بررسی دیدگاه نولدکه پیرامون رسم الخط و قرائت قرآن و نقد آن» و مقاله ایشان زیر همین عنوان در مجله «قرآن پژوهی خاورشناسان» شماره ۶، مقاله «تاریخ قرآن نولدکه معرفی بررسی و نقد منابع» اثر احمد رضا رحیمی ریشه، مقاله «تحلیل و بررسی و نقد آرای نولدکه پیرامون جمع قرآن» از محمد حسین محمدی، مقاله «بررسی برخی اراء نولدکه پیرامون جمع قرآن» از آقای محمد باقر حجتی و سیدعقیل در مجله «قرآن پژوهی خاورشناسان» شماره ۱۴، کتاب «جولة فی کتاب تاریخ القرآن نولدکه» اثر آقای احمد عمران الزاوی با مقدمه مصطفی طلاس و برخی مقالات دیگر در رابطه با برخی شبهات نولدکه نوشته شده است. اما با کمال ارج نهادن به این آثار تحقیقی، باید گفت این اندازه پژوهش در نقد و بررسی اجزای این کتاب مستشرق آلمانی کافی نیست، بایستی پژوهشی کاملتر و نوتری ارائه شود.

آراء نولدکه در خصوص قرائت قرآن و نقد آن

۱- انتساب قرآن به پیامبر (ص) و ارتباط قرآن و قرائت

به نظر نولدکه قاری باید متن نوشته شده قرآن را قرائت کند، بین متن و قرائت‌های مختلف ارتباط وجود دارد، تمام قرائت‌ها از پیامبر (ص) به ما رسیده است و اگر نه قرائت نخواهد بود.

نقد

بر اساس اصل «القرآن والقراءات حقیقتان متغایرتان» قرائت‌ها و قرآن دو حقیقت اند، نه یکی. قرآن کلام الهی است که بر حضرت محمد (ص) نازل شده است، اما قرائت‌ها، اختلاف کلام وحی از لحاظ حروف و واژه‌ها و چگونگی اداء حروف اینها از نظر تشدید و تخفیف و امثال آن است. بدرالدین زرکشی در البرهان فی علوم القرآن (زرکشی، ۱۹۵۷، ج ۱، ص ۳۱۸) و آیت الله خویی در البیان، (خویی، ۱۳۹۵ق، ص ۱۹۶) به لزوم تفکیک میان اصل قرآن و قرائت قراء تأکید می‌کنند.

امام صادق (ص) در این رابطه می‌فرماید: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ. (کلینی ۱۴۰۷ق ج ۲، ص ۶۳۰)، قرآن حقیقت واحد است و از نزد خدای واحد نازل شده است ولی اختلاف از ناحیه راویان است.

بنا براین، اختلاف قرائت‌ها از ناحیه قراء و راویان است، نه پیامبر(ص) چرا که طبق شواهد تاریخی قرائت‌ها بعد از پیامبر(ص) به وجود آمده است، در حال حیات پیامبر(ص) یک قرائت بیشتر نبود.

اخذ قرآن و عمل به آن لازم است، چراکه قطعی الصدور است، اما قرائت‌ها لازم الاخذ نیست، چون از افراد متعدد و مشکوک صادر شده است.

آنچه بر پیامبر نازل شده و منشأ قوانین است، وحی قرآن است، ولی قرائت‌های متعدد بعد از ایشان پیدا شده است، لذا ارتباطی میان این دو وجود ندارد.

۲- نبود نص واحد معتبر

نولدکه می‌گوید: قرآن نص واحد ندارد، ما باید چنین متنی را ایجاد کنیم (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۲۱۵ و ۵۵۷) گلدزیهر، بلاشیر و آرتور جفر، نیز این شبهه را دارند (حسینی، ۱۳۸۸، پیشین، ص ۳۵).

نقد

به لحاظ درون دینی

۱- قرآن تحت ضمانت حفظ الهی: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (حجر: ۹) «ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم» این وعده خداست و تخلف پذیر نیست: **إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ** (رعد: ۳۱) «به یقین خداوند در وعد خود تخلف نمی‌کند».

۲- قرآن معیار تشخیص صحت روایات است. روایاتی متواتر داریم که می‌گویند روایات را بر قرآن عرضه کنید، هر آنچه از روایات منسوب به ما موافق قرآن باشد از ماست و هرچه مخالف آن باشد باطل است و ما آن را نگفتیم (رک: شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، صص ۱۰۹-۱۱۴) این امر با تزلزل متن قرآن سازگاری ندارد، زیرا اولاً وسیله سنجش باید قطعی باشد. ثانیاً روایات بایستی بر همین قرآن موجود با متن متواتر عرضه گردد. بنابراین، لازمه عرضه روایات بر قرآن این است که متن قرآن کاملاً است، چرا که متن متقن می‌تواند معیار باشد و عرضه بر متن مشکوک بیهوده و لغو است.

به لحاظ برون دینی

عقل به روشنی حکم می‌کند که احتمال هرگونه اضطراب، تغییر و تبدیل از ساحت مقدس کتابی مثل قرآن کریم به دور است، زیرا قرآن همواره مورد عنایت یک امت بزرگ و با فرهنگ بوده، پیوسته آن را مقدس شمرده‌اند و با نهایت دقت و احترام دست نخورده نگهداشته‌اند، زیرا قرآن اولین و مهمترین مرجع

آنان در تمام ساحه‌های زندگی از مسایل شخصی و فردی تا فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است (حسینی ۱۳۸۸، پیشین، ص ۳۷).

تواتر قرائت رایج

نقل متواتر قرآن طی قرون و نسل‌های مسلمانان براساس قرائت حفص از عام می‌باشد و تواتر یقین آور و قطعی است.

هم اکنون مسلمانان نص ثابتی بر اساس قرائت عاصم دارند و ائمه اطهار(ع) نیز این قرائت معروف را تأیید کرده‌اند و مانع هر گونه اضطراب و تغییر در نص قرآن شده‌اند. هیچ یک از صحابه و تابعان نیز مجاز نبوده‌اند که از پیش خود تغییری در متن قرآن ایجاد کند و نص قرآن تا به امروز محفوظ مانده است.

بنا براین، قرآن دارای نص واحدی است و اختلاف میان قراء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است. دیدگاه نولدکه و مستشرقان بی اساس است و متن قرآن از هرگونه اضطراب و تزلزل عاری است و وثاقت و اعتبار آن ثابت است.

۳- قرائت‌ها منشأ اختلافات

مشکل قرائت‌ها اختلافاتیست که به لهجه‌ها ارتباط دارد و اختلاف قرائت‌ها ناشی از آن است (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۵۷۵).

نقد

برخلاف برداشت نولدکه اختلاف لهجه‌ها تنها عامل تعدد قرائت نیست، بلکه عواملی نظیر اختلاف روایت، ابتدایی بودن خط، خالی بودن حروف و کلمات از حرکات و اعراب، نقطه و...، در اختلاف قرائت دخیل است (معرفت، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹).

۴- حدیث سبعة احرف از دیدگاه نولدکه

تئودور نولدکه می‌گوید: عثمان به دنبال رفع اختلافات قرآن و متن آن بود، اما دیگران در مورد این اختلافات سهل انگاری کردند، و در صدد رفع آن بر نیامدند، عامل اصلی این اختلاف حدیث سبعة احرف است (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۵۴۶). این حدیث در برخی منابع حدیثی به این شکل آمده است: «إنَّ هذا القرآن أنزل على سبعة أحرف؛ فاقراءوا ما تيسر منه» (زرکشی، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۳۰۲) «قطعا قرآن بر ۱ ساس هفت حرف نازل شده است، پس هر مقدار از این حروف برای شما میسر است قرآن را براساس آن، قرائت کنید».

طبق این ادعا نولدکه حدیث سبعة احرف را به عنوان پایه قرائت‌های هفت‌گانه پذیرفته است، لذا دیدگاهش را بر اساس آن استوار می‌کند.

نقد

اولاً اختلاف قرائت‌ها ارتباط به حدیث سبعة احرف ندارد، تا دیگران در مورد آن سهل انگاری کرده آن را حجت تلقی کرده باشد، چون در عصر پیامبر یک قرائت بیش نبود، اختلافی در نص قرآن وجود نداشت و ثابت بود، این اختلاف‌ها در عصر صحابه پدید آمد (مؤدب، ۱۳۷۸، ص ۱۵۲) حدیث امام باقر (ع) بر این معنا دلالت دارد. «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرُّوَاةِ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۰). «قرآن یک چیز است و از نزد خدای واحد نازل شده است ولی اختلاف از ناحیه راویان به وجود می‌آید».

ثانیاً حدیث سبعة احرف جعلی و ساختگی است، حتی گلدزیهر مستشرق معاصر نولدکه، آن را غیر مستند و شاذ می‌داند (حسینی، ۱۳۸۸، پیشین، ص ۳۹).

این حدیث در منابع اهل سنت است و در جوامع حدیثی شیعه وجود ندارد (ساقی، ۱۳۹۰) بلکه حدیثی بر خلاف آن داریم که فضیل بن یسار از امام صادق (ع) پرسید: ان الناس يقولون: ان القرآن نزل علی سبعة احرف؟ امام در جواب او فرمودند: کذبوا اعداء الله، و لکنه نزل علی حرف واحد من عند الواحد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۶۶) «دشمنان خدا دروغ می‌گویند و لکن قرآن بر اساس حرف واحد از سوی خدای واحد نازل شده است». این روایت در زمان عمر بن خطاب بر سر زبان‌ها آمد و اولین بار او حدیث را به پیامبر نسبت داد. آنچه به نظر می‌رسد این است که باتوجه به فتوحات اسلامی و کثرت نیاز به قوانین، اصرار عمر بر رأی و اجتهاد، عدم نشر نسخه واحد رسمی حکومتی در بلاد و عدم یکسان سازی قرائت‌ها و تساهل در نص قرآن؛ جناب خلیفه اول در ساختن این حدیث نقش اساسی داشته است (حسینی، ۱۳۸۸، پیشین، ص ۴۳).

اعتبار سندی: اهل سنت هرچند روایت را صحیح و متواتر می‌دانند ولی این ادعا به دلایلی مردود است.

یک: روایتی متواتر است که در تمام طبقات متواتر باشد و الا در ردیف خبر واحد است، بر اساس تحقیقات این روایت با اختلاف در الفاظ و محتوا نه تواتر لفظی دارد و نه تواتر معنوی (اسکندرلو، ۱۳۸۸).

دو: از دیدگاه شیعه، روایت در ردیف خبر واحد است و بسیاری از محققین بزرگ شیعه بر این امر تصریح نموده است (احمدی فر، ۱۳۹۵) و صدورش مورد تردید است چون:

اولا اینکه باروایت صحیحہ کافی (ج ۲، ص ۶۳۰) و روایت فیض در وافی (ج ۹، ص ۱۷۷۵) که پیشتر ذکر کردیم، که می‌فرماید: لکن قرآن بر اساس حرف واحد از نزدخدای واحد نازل شده است»، معارض است.

دوما اینکه با روایت دیگر عمر و عثمان که در آن آمده قرآن به لغت و زبان قریش نازل شده، (حجتی، ص ۲۶۲) منافات دارد.

سوم اینکه تعبیر سبعة احرف به هفت لهجه با برخی روایات که سخن از اختلاف در جوهر لفظ است، نه در کیفیت اداء آن، منافات دارد.

چهارم اینکه این روایت با مخا صمه عمر با هشام بن حکیم در مورد قرائت سازش ندارد، با اینکه هردو از قریش است.

پنجم حدیث سبعة احرف غیر از قرائت‌های هفت‌گانه ایست که ابن مجاهد در قرن چهارم پایه گذاری کرد، صرفا بین قرائت‌های هفت‌گانه و روایت سبعة احرف انطباق حاصل شده است (احمدی فر، ۱۳۹۵ ص ۹).

ششم: در معنای حدیث سبعة احرف توجیهاتی زیادی ذکر شده است، سیوطی تا چهل معنا را بر شمرده است (سیوطی ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۳۰) معلوم نیست کدامیک از معانی، مراد و مقصود است. پس مراد متکلم کاملا مبهم و گنگ است.

بناء براین، روایت سبعة احرف نه سند معتبر دارد و نه دلیلی بر قرائت‌های هفت‌گانه است، و نه دلالت روشن، لذا از درجه اعتبار ساقط است و استدلال نولدکه به آن مردود است.

۵- انتساب اشکالات لفظی به پیامبر(ص)

تئودورنولدکه نمونه‌های را به عنوان وجود اشکالات ادبیاتی و محتوایی در نسخه فعلی قرآن ذکر می‌کند و معتقد است که پیامبر این اشکالات و اضطراب متن قرآن را پذیرفته است و آن را از ناحیه نویسندگان می‌داند (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۴۴۵).

نقد

این سخن از نولدکه عجیب است! او ادعا می‌کند که پیامبر، این اشکالات را پذیرفته است، در حالی که پذیرش این خطاها از سوی پیامبر هرگز قابل قبول نیست:

اولا پیامبر به واسطه جبرئیل الفاظ را بدون کم و زیادی از جانب خداوند دریافت می‌کرد (رامیار، ۱۳۸۹، ص ۱۹۶).

ثانیا نزول الفاظ دارای اشکال، نقص و اشتباه از سوی خدا به پیامبر برای هدایت بشر از حکمت خدا دور و کار بیهوده است.

ثالثا مسلمانان بر وحیانی بودن قرآن اتفاق نظر دارند، یعنی الفاظ قرآن مستقیما از سوی خداوند نازل شده و پیامبر وحی ملفوظ را دریافت کرده است، الفاظ و کلام وحی بدون کم و کاستی به پیامبر تحویل داده است (حسینی، ۱۳۷۹، ش ۲۱ و ۲۲ ص ۲۲۶).

سیوطی می‌نویسد: «أنه اللفظ والمعنى وان جبرئيل حفظ القرآن من اللوح المحفوظ و نزل به « قرآن متشکل از لفظ و معنی است. در حقیقت جبرئیل قرآن را از لوح محفوظ گرفت و بر پیامبر نازل کرد». (سیوطی ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۲۵).

اثبات وحیانی بودن قرآن

(۱- اعجاز بیانی)

تحدی قرآن که در موارد متعددی در قرآن مطرح شده است و این تحدی تاکنون بی پاسخ مانده است دلیل مهم بر اعجاز بیانی قرآن است، و در نهایت نشان می‌دهد که قرآن ساخته فکر بشر حتی خود پیامبر نیست، و اگر نه تاکنون ده‌ها مورد مشابه برایش آورده بود.

مرحوم آقای معرفت تحدی را به معنای هم‌آورد خواستن می‌داند، و آن را مبارزخواهی و هم‌آورد طلبی فراگیر از حیث زمان و مکان و انس و جن توصیف می‌کند. وی در کتاب التمهید چنین می‌گوید: گستره تحدی شامل تمام امت‌ها و دوره‌های تاریخی اعم از عرب و غیر عرب، و اعم از عصر رسالت و بعد از آن تا ابد، می‌باشد، چرا که تحدی تنها در لفظ نیست، تا مختص عرب باشد، همانا تحدی با تمام ویژگی‌های لفظ شامل بیان، کیفیت ادا و محتوا می‌باشد، چنانکه صرفا به جنبه فصاحت اختصاص ندارد، تا محدود به صدر

اسلام باشد از این جهت که عرب در اوج شکوفای فصاحت قرار داشت، به علاوه فصاحت و بلاغت به یک زبان و یا یک امت اختصاص ندارد (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۲).

ایشان معتقد است که احتمال غیر وحیانی بودن الفاظ قرآن به دلیل اعجاز بیانی و تحدی و تعجیز قرآن مردود است، چراکه دایره تحدی شامل خود پیامبر نیز می‌شود (معرفت، ۱۳۹۳، ص ۵۷).

(۲- اطلاق «قول» و «قرائت» نسبت به وحی

در آیات متعدد از وحی به قول و قرائت تعبیر شده است. در آیات ۱۳ سوره طارق «إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ» و ۱۹ تکویر «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ» از وحی به عنوان «قول» و در آیات ۹۸ سوره نحل «فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و ۵۸ سوره آل عمران «ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَ الذِّكْرِ الْحَكِيمِ» به عنوان قرائت و تلاوت یاد شده است (حسینی، ۱۳۷۹، ش ۲۲، ص ۲۳۳).

باتوجه به اینکه «قول» به مجموع دال و مدلول اطلاق می‌شود، و قرائت به بازگو کردن الفاظی گفته می‌شود که دیگری تنظیم کرده است، در برابر تکلم که انشاء معنا با الفاظی است که خود انسان منظم کرده است (معرفت ۱۳۹۳، ص ۵۸) الفاظ و عبارات قرآن مال پیامبر نیست، لذا می‌گوئیم پیامبر قرآن را قرائت یا تلاوت کرد، نه اینکه تکلم کرد (حسینی، ۱۳۸۸، پیشین، ص ۴۷).

(۳- عدم جواز تغییر و تبدیل الفاظ قرآن

در قرآن کریم این مطلب آمده که پیامبر حق تغییر و تبدیل قرآن را ندارد «قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَآئِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (یونس: ۱۵) «من حق ندارم که از پیش خود آن را تغییر دهم فقط از چیزی که بر من وحی می‌شود، پیروی می‌کنم! من اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از مجازات روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم!»

از دکتر حامد ابوزید محقق علوم قرآنی نقل شده است که می‌گوید: این سلب اختیار نشان‌دهنده آن است که الفاظ و عبارات قرآن از پیامبر نیست و اگر نه هر انسانی می‌تواند آنچه را گفته با بیان دیگری بازگو کند (حسینی ۱۳۸۸، پیشین، ص ۴۷).

(۴- تکرار آیات وحی توسط پیامبر(ص)

پیامبر برای فراموش نکردن آیات وحی آن را مرتب تکرار می‌کرد، و گویا نگران فراموش کردن آن بود، خداوند او را از این کار باز داشت و فرمود: لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (قیامت: ۱۹-۱۶)

«زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [قرآن] حرکت مده، چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست! پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن!»

این حرص و تلاش برای این است که الفاظ و کلمات از آن پیامبر و در اختیار او نیست، بلکه این الفاظ و کلمات مانند محتوا، از آن خدای متعال است و پیامبر به عنوان امانتدار آن را گرفته است و موظف است بدون دخل و تصرف آن را حفظ کند. (رامیار، ص ۱۹۶ و ۲۲۲).

(۵- دستور به کتابت قرآن)

پیامبر برای صیانت از نصوص قرآنی نه تنها از حافظه خود و مردم کمک می گرفت بلکه افرادی به عنوان کاتبان قرآن از سوی پیامبر وظیفه داشت قرآن را دقیق بنویسند و آیات با نظارت مستقیم پیامبر کتابت می شد و اگر اشکالی دیده می شد فوراً توسط پیامبر تصحیح می شد. این نمایانگر این است که الفاظ و عبارات قرآن بدون کم و زیادی ثبت و ضبط شده است (همان).

با توجه به آنچه گفتیم سخنان مغر ضانه تنودور نولدکه کاملاً مردود است، و نمی تواند به سلامت نص قرآن و وحیانی بودن الفاظ و عبارات قرآن، کوچکترین خدشه وارد کند.

۶- تفاوت حروف عثمانی با حروف رایج عربی

نولدکه می گوید: تا قرن چهارم حروفی که در مصاحف به کار می رفت با حروف رایج عربی (کوفی) فرق داشت، یعنی مصاحف به خط ابتدایی کتابت می شد بعداً تغییراتی زیادی به پیدا کرد (نولدکه، ۲۰۰۴م، ص ۶۷۹).

بررسی و نقد

این ادعا درست نیست، چرا که پژوهشگران معتقدند قرآن در ابتدا از زمان خلفای راشدین تا اواسط دوره اسلامی با همین خطی نوشته می شد که بعداً به خط کوفی مشهور شد (حسینی، ۱۳۸۸، ص ۴۹). برخی گفته اند: زید بن ثابت از سوی پیامبر (ص) مأمور شد تا کتابت یهود (خط سریانی) را یاد بگیرد که خط کوفی از آن گرفته شده است (همان) این نیز مشکلی ایجاد نمی کند، چرا که خط کوفی با آن خط، تفاوت اساسی در حروف نداشته است، و اگر نه ممکن نبود از آن اتخاذ شود.

۷- تکمیل نشدن متن قرآن در زمان حیات پیامبر (ص)

نولدکه معتقد است متن قرآن به طور کامل در حیات پیامبر (ص) نوشته نشد و اولین جمع آوری در زمان ابی بکر و عمر انجام شد و این دلیل اختلاف در نص عثمانی است (نولدکه، پیشین، ص ۵۵۷).

بررسی و نقد

این سخن نولدکه تمام نیست، زیرا:

اولا ثابت شده که در نص عثمانی هیچ گونه اضطرابی وجود ندارد (معرفت، ۱۴۲۴ق، ص ۳۶۹).

ثانیا اگر مراد از جمع آوری کتابت است، این ادعا نیز مردود است، چرا که نه تنها کتابت قرآن در زمان پیامبر صورت گرفت، بلکه نخستین جمع و تنظیم سوره های قرآن به دستور رسول خدا (ص) نیز در زمان حیات حضرت صورت گرفته است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۸) دانشمندان اسلامی بر این امر اتفاق نظر دارند. چطور آقای نولدکه می گوید قرآن اولین بار در زمان عثمان جمع آوری شد! دلایلی بر جمع و تدوین قرآن در زمان پیامبر (ص) وجود دارد که ذیلا ذکر می شود:

الف) دلیل قرآنی

قرآن خود گواه است بر اینکه در زمان رسول خدا (ص) حتی پیش از هجرت بخشی از قرآن که نازل شده بود، به دستور پیامبر نوشته شده بود، و دست به دست می گشت. آیات آغازین سوره علق و آیات ۱۱ تا ۱۶ سوره عبس، ۲۱ و ۲۲ سوره بروج و آیات ۷۷-۸۰ سوره واقعه، ۲ و ۳ سوره بینه، دغدغه خاطر پیامبر را برای حفظ پیامبر و تضمین ماندگاری بوسیله کتابت را نشان می دهد (رامیار، ۱۳۸۹، ص ۲۵۸-۲۵۷) نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل شد آیات سوره علق است که اشتغال خاطر و نگرانی پیامبر را به کتابت قرآن برای حفظ و ضبط صحیح قرآن و اهمیت قلم به عنوان عنصر اولیه علم و معرفت، بازگو می کند، و برای او اطمینان می دهد که این آیات در کتاب ارجمند نوشته شده است (عبس: ۱۳) و آیه پنجم سوره فرقان که از قول مخالفان قرآن را افسانه مکتوب پیشینیان می داند، بر این دلالت دارد که قرآن از همان آغاز نوشته و ثبت می شده است. (همان، ص ۲۵۸).

ب) دلیل روایی

بر اساس یافته های تاریخی، پیامبر برخی از برگزیدگان صحابه را بر کتابت قرآن مأمور کرد و آنان طبق دستور وحی را می نوشتند، سیوطی از قول حاکم نیشابوری می نویسد که قرآن سه بار جمع گردید، نخست در حضور پیامبر (ص) بود، زیدبن ثابت می گوید: ما نزد پیامبر بودیم و قرآن را از نوشته های پراکنده جمع و تألیف می کردیم (سیوطی ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۶۰).

ابن عباس می گوید: چون چیزی بر او نازل می شد، کسی از نویسندگان را فرا می خواند و می فرمود این آیات را در جای که چنین و چنان باشد بگذار (زرکشی، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۲۳۴).

عثمان ابن ابی العاص می گوید: در حضور پیامبر بودم که حضرت فرمود جبرئیل آمده و امر می کند که این آیه را در این محل از سوره بگذارم (سیوطی ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۶۸).

این روایات به خوبی بر کتابت قرآن در عصر حضور پیامبر(ص) و طبق دستور او، دلالت دارد، بویژه روایت اخیر که حتی موضع آیه را جبرئیل مشخص می کند.

نتیجه گیری

بر اساس داده‌های پژوهشی معلوم شد شبهات آقای تئودور نولدکه آلمانی پیرامون قرائت با دلایل عقلی و نقلی مردود است، چرا که قرآن مصون از تحریف و تشکیک دشمنان مغرض می‌باشد، با دلایل قرآنی و روایی ثابت شد که قرآن در زمان حیات پیامبر (ص) توسط افراد خبره به صورت کامل، کتابت و جمع و تدوین شده است. اشکال اضطراب متن و الفاظ قرآن مردود است و ادله محکم، وحیانی بودن متن قرآن بدون دخل و تصرف انسانی را به درستی اثبات می‌کند. حدیث «سبعة احرف» که در تعدد قرائت‌های مختلف مستند شده است، نه سند معتبر دارد و نه دلالت روشن بر مقصود، بلکه قراین و شواهد نشان می‌دهند که این حدیث ساختگی است. قرآن در طول بیش از ۱۴ قرن میان همه مسلمانان بر اساس قرائت معروف و معتبر حفص از عاصم، به عنوان قرائت پذیرفته شده و مستند شرعی و مورد تأیید علمای اسلام می‌باشد.

منابع

قرآن کریم

۱. احمدی فر، مصطفی، ۱۳۹۵، مستشرقان و رویکردهای آنان پیرامون واژه‌های سبعة احرف، نخستین همایش ملی واژه پژوهی در علوم اسلامی، یاسوج، دانشگاه یاسوج،
https://www.civilica.com/Paper-FNCLIS۰۱-FNCLIS۰۱_۰۰۲.html
۲. اسکندرلو، محمدجواد، بررسی دیدگاه‌های نولدکه در مورد رسم الخط و قرائت قرآن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸،
۳. بدوی، عبدالرحمن، موسوعة المستشرقین، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۳.
۴. حجتی، سید محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
۵. حسینی، سیدحسین، بررسی دیدگاه نولدکه پیرامون رسم الخط و قرائت قرآن و نقد آن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸،
۶. حسینی، موسی، و حیانی بودن الفاظ قرآن، مجله پژوهش های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ش ۲۱ و ۲۲.
۷. خویی، ابوالقاسم، البیان، دارالزهراء، بیروت، ۱۳۹۵ق، چهارم.
۸. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۹، چاپ نهم.
۹. رحیمی ریشه، احمد رضا، تاریخ قرآن نولدکه معرفی بررسی و نقد منابع، مجله سفینه (فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث)، سال اول، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۱
۱۰. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، داراحیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۷م.
۱۱. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، نقد و بررسی آراء مستشرقان در باره قرآن، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۱۲. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن. تحقیق سعیدالمندوب، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۶ق.
۱۳. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ق

۱۴. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *الوافی*، ۲۶ جلد، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام - اصفهان، چاپ: اول، ۱۴۰۶ ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، دار الکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. مؤدب، سیدرضا، *نزول قرآن و رویای هفت حرف*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۷. محمدی، محمد حسین، *تحلیل و بررسی برخی آراء نولدکه پیرامون جمع قرآن، مجله قرآن و مستشرقان*، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.
۱۸. معرفت، محمد هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵، دوم.
۱۹. معرفت، محمد هادی، *علوم قرآنی*، مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید، قم، ۱۳۹۳، هشتم.
۲۰. معرفت، محمد هادی، *شبهات و ردود حول القرآن*، مؤسسه التمهید، قم، ۱۴۲۴ ق.
۲۱. معرفت، محمد هادی، *تلخیص التمهید*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. نولدکه، تئودور، *تاریخ القرآن*، مؤسسه کونراد- ادنار، بیروت، ۲۰۰۴، اول.